

تحلیل فقهی - اقتصادی بیمه اجباری

بیژن بیدآباد^۱

چکیده

در این مقاله به این موضوع خواهیم پرداخت که آیا بیمه‌های اجباری وجاهت فقهی دارند یا خیر. برای مثال آیا می‌توان حتی براساس قانون، کارگر را ملزم به پرداخت حق بیمه کرد یا کارفرما را ملزم به پرداخت حق بیمه کارگر نمود یا دولت را موظف نمود تا سهمی از بیمه کارگر را بپردازد به عبارت دیگر آیا دولت حق تصرف در منابع مالی تحت اختیار خود را در پرداخت یارانه جهت حق بیمه کارگر دارد؟ در مشروعیت این اقدامات ادله کافی مشاهده نمی‌شود. در بحث بعدی به انواع بیمه‌های اجباری از نوع بیمه مسئولیت مدنی مانند بیمه شخص ثالث می‌پردازیم و با تحلیل این نوع بیمه نتیجه‌گیری می‌شود که علی‌القاعده اجبار این بیمه باعث تشویق خاطی و تنبیه فرد منضبط است و برخلاف اصل عدالت در اسلام است.

کلیدواژه: بیمه، بیمه اجباری، عدالت، اسلام

مقدمه

در نظام‌های فعلی شکل خاصی از بیمه به افراد جامعه براساس قانون تحمیل و اجبار می‌شود که وظیفه این نوع بیمه در دو نوع ایجاد حمایت اجباری برای افراد با بنیه اقتصادی ضعیف و متوسط؛ و حمایت دیگران در مقابل عملکرد رفتار اجتماعی فرد طبقه‌بندی می‌شوند. در نوع اول، قانون بیمه‌گذار را موظف می‌نماید تا با پرداخت حق بیمه به یک بیمه‌گر خود را در مقابل بسیاری از موارد اضطراری و غیراضطراری نظیر سانحه یا بازنشستگی بیمه نماید. در باب اینکه این اجبار به چه میزان وجاهت فقهی داشته باشد نمی‌توان به سادگی اظهار نظر کرد و این تحمیل قانونی در زمره احکام ثانویه قرار می‌گیرد و تشخیص مصلحت در وضع احکام ثانویه در شرایط مختلف مکانی و زمانی با توجه به بسیاری از متغیرهای مختلف علی‌القاعده متفاوت است. به عبارت دیگر در این باب باید این سؤال را پاسخ داد که آیا حکومت می‌تواند چنین اجباری را بر افراد تحمیل نماید که خود را بر وفق شرایط خاصی بیمه نمایند؟ پاسخ این سؤال در حکومت اسلامی با ویژگی‌هایی که در باب بیمه در این شیوه حکومتی وجود دارد می‌توان اذعان داشت، در صورتی که بیمه‌های مطرح شده^۲ فعالانه عمل کنند نیازی به چنین اجبار و تحمیلی از نوع اول بیمه‌های اجباری نیست.

bidabad@yahoo.com

bijan@bidabad.com

<http://www.bidabad.com>

^۱

^۲ - بیدآباد، بیژن (۱۳۸۲)، تحلیل فقهی - اقتصادی انواع بیمه و ویژگی‌های شیوه حکومت اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی

ایران. <http://www.bidabad.com>

بیمه‌های اجباری

ملحق به این اجبار نوع دیگری از اجبار در بیمه‌های تأمین اجتماعی و کارگری مشاهده می‌شود به نحوی که قانون کارفرمایان را مجبور می‌نماید تا سهم عمده‌ای از حق بیمه کارگران را پردازند و همزمان کارگران نیز بالاچار سهم کمتری از حق بیمه خود را می‌پردازند. علی‌القاعده این عمل نوعی تصرف در اموال و حقوق دیگران است که براساس اصل عدم جواز در تصرف اموال غیر در فقه مشروعیت نمی‌تواند داشته باشد. این اصل اجازه نمی‌دهد که هرکسی به سادگی حتی با وضع قانون حقوق مالکیت افراد را به نحوی مضمحل نماید. به عبارت دیگر شریعت اسلام تأیید و امضاء فرموده که اموال افراد که از راه مشروع حاصل شده است، متعلق به ایشان است. براساس آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»^۳. اکل مال غیر و تصرف در آن بدون رضایت صاحب مال نهی شده است و رسول اکرم ص فرمود که لَا يَحِلُّ مَالٌ أَمْرًا مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسِهِ^۴ یعنی تصرف در مال مسلم جز با رضایت خاطر او جایز نیست. بدین ترتیب نه تنها نمی‌توان کارگر را ملزم کرد تا حق بیمه پردازد که سهل، بلکه کارفرما را صد البته نمی‌توان ملزم به پرداخت حق بیمه کارگرانش نمود. فقط در صورتی این دو مشروعیت دارند که در مورد اول کارگر با بیمه‌گذار و در مورد دوم کارفرما با بیمه‌گذار و کارگر عقد بیمه را به تراضی ببندند. و در صورت عدم تراضی جوازی بر حلیت آن نمی‌توان منضم نمود. به عبارت دیگر اگر تراضی نباشد این عقد در زمره عقود فضولی مسمی می‌یابد.

نکته سومی در اینجا نیز قابل بررسی است و آن اینکه آیا دولت حق دارد در پرداخت سهم حق بیمه کارگر سهم باشد این سوال در این نوع بیمه‌ها از این بابت مطرح است که حق بیمه کارگر به سه قسمت، سهم حق بیمه کارگر به عهده خود کارگر، سهم حق بیمه کارگر به عهده کارفرما و سهم حق بیمه کارگر به عهده دولت تقسیم می‌شود. در قوانین فعلی در بیمه تأمین اجتماعی ایران این سهام ۷٪ و ۲۰٪ و ۳٪ است. به عبارت دیگر آیا دولت حق دارد از اموال ملی که از منابع زکات و انفال و سایر منابع درآمدی اخذ گردیده سهمی برای کمک به بیمه کارگران در نظر گرفته و پرداخت نماید. گرچه این بحث به پرداخت یارانه‌ها در اسلام و محل‌های صرف زکات و صدقات برمی‌گردد و شرح آن خیلی مفصل است ولی باید گفت که در منابع صرف زکات به راحتی نمی‌توان مجوز کلی برای هزینه کردن منابع بیت‌المال برای اعطای یارانه سهم بیمه کارگر پیدا نمود مگر اینکه حکومت اسلامی با شرایط خاصی از لحاظ فقر طبقه اجتماعی مورد نظر روبرو باشد. نکته حائز اهمیت در اینجا این است که علت عدم سهولت اعطای این مجوز در پرداخت سهم حق بیمه کارگر به عهده دولت اشکال عمومیت کارگران است. چون این پرداخت عملاً شامل کلیه بیمه شدگان می‌شود و معلوم نیست برخی از بیمه شدگان مستحق دریافت این یارانه باشند یا نه این اشکال فقهی ایجاد می‌گردد. برخی از تفاسیری که در باب مشروعیت بیمه اجباری ارائه می‌شوند براساس دکترین توزیع مجدد درآمد است. براساس قضایای اقتصاد ریاضی می‌توان نشان داد که برای سیاست‌گذاری‌ها باید به تعداد هدف‌های سیاستی، ابزارهای

^۳ - سوره نساء، آیه ۲۹: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را بین خود به باطل مخورید مگر آنکه تجارتي با رضایت کرده باشید.

^۴ - برخی سند این روایت را ضعیف می‌دانند و شاید علت ضعف آن نیز در خاص بودن آن مستتر باشد که صحیح آن لَا يَحِلُّ مَالٌ أَمْرًا مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسِهِ بوده است و عام را شامل می‌باشد. با روایت مشهور شیعه و سنی: «الْأَسُّ مُسْلَطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ» (روایت از پیامبر اکرم ص، بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، جلد ۶، صفحه ۲۷۲. همچنین عوالی اللائی، ابن ابی جمهور الاحسائی، ج ۱، صفحات ۴۵۷ و ۲۲۲). مطابقت کامل دارد. به عبارت دیگر این قاعده برای عام الناس صادق است نه فقط مسلم.

سیاستی را بکار برد و علی القاعده نباید با هر وسیله‌ای برای حصول هر هدفی اقدام نمود. به عبارت دیگر اگر هدف توزیع مجدد درآمد و ثروت است و وظیفه این سیاست در بخش‌های دیگر بالاخص مالیات‌ها است، گرچه در مالیات‌های اسلامی حصول این هدف یعنی توزیع مجدد ثروت در چهارچوب‌های مشخص شده نظیر زکات و خمس و انفال و جزیه و امثالهم تا حد محدودی قابل تحمیل است و پیش از آن قرآن کریم با تشویق و انذار صاحبان درآمد را به پرداخت بخشی از ثروت خود به نیازمندان جامعه تحریض نموده است و وعده بهشت و وعید دوزخ فرموده و گرنه اقدام اجرایی برای این دوباره توزیع ثروت مازاد بر زکات و مشابه آن معین نفرموده است. حال چگونگی می‌توان از بیمه‌های اجباری با طرح دکترین توزیع مجدد درآمد حمایت نمود قانع کننده نیست. شرح این موضوع خود یک مقاله مجزا می‌طلبد که امید است در آینده در محل دیگری به آن پردازیم.

در نوع دوم بیمه‌های اجباری قانون بیمه‌گذار را موظف می‌نماید تا با پرداخت حق بیمه نزد بیمه‌گر وی را متعهد سازد که چنانچه عملکرد اجتماعی بیمه‌گذار باعث ایجاد خسارت در اموال یا جان سایر افراد جامعه گردید، بیمه‌گذار را پوشش دهد. این نوع بیمه‌ها در گروه بیمه مسئولیت مدنی طبقه‌بندی می‌شوند. مثال این بیمه اجباری در نظام‌های فعلی بیمه‌های معروف به شخص ثالث است. برای مثال اگر اتومبیلی در خیابان باعث ایجاد سانحه‌ای شد و خسارت به فرد دیگری وارد آورد، در صورت بیمه بودن اتومبیل مزبور بیمه‌گر اقدام به پرداخت خسارت مصدوم می‌نماید. وجاهت فقهی این نوع اجبار نیز دچار تردید و تأمل می‌تواند باشد. گرچه از نوع اول وجیه‌تر است ولی هنوز نمی‌توان به راحتی قاعده‌ای را مطرح ساخت که بتوان براساس آن حقی را از افراد ساقط نمود و آنها را ملزم به پرداخت حق بیمه اجباری کرد. در باب توضیح این موضوع می‌توان شرایط مختلفی را تحلیل نمود. کلیت موضوع در قالب بررسی‌های زیر قابل تحلیل است.

فرض کنید در جامعه اتومبیل‌رانان n نفر اتومبیل دارند و هر کدام با توجه به مهارت در رانندگی و زمان و مدت رانندگی در طول دوره و محل‌های عبور خود با احتمال P_i دچار سانحه تصادف می‌شوند که براساس ضوابط رانندگی مقصر می‌باشند. و فرض کنید در هر سال مبلغ C_i هزینه ایجاد شده هر فرد در اثر سانحه باشد. در این شرایط فرد i با بیمه شدن و پرداخت حق بیمه به میزان A_i دیگران را در مقابل سوانح رانندگی ایجاد شده توسط بیمه‌گذار بیمه می‌نماید. اگر امید ریاضی هزینه سانحه مساوی حق بیمه باشد یعنی:

$$E(C_i) = P_i C_i + (1 - P_i) 0 = A_i \quad (1)$$

بیمه‌گذار و بیمه‌گر سودی از بابت بیمه شدن و بیمه کردن فرد مزبور نمی‌برند. حال اگر در مورد فرد i داشته باشیم:

$$E(C_j) = P_j C_j > A_j \quad (2)$$

یعنی حق بیمه بیشتر از پرداخت بیمه‌گر است. پس بیمه‌گر به میزان $A_j - P_j C_j$ از معامله با فرد j سود می‌برد. حال فرض کنید که m نفر از افراد احتمال سانحه آنها بیش از نرخ بیمه پرداختی آنها q باشد یعنی:

$$P_i > q \quad (3)$$

و باقی یعنی $m-n$ نفر احتمال سانحه آنها کمتر (یا مساوی) از نرخ بیمه باشد.

$$P_i \leq q \quad (4)$$

و فرض کنید نرخ بیمه در حداقل خود است و سود بیمه‌گر صفر است. این به معنای این است که صنعت بیمه در شرایط

رقابت کامل به سر می‌برد. یعنی تمام حق بیمه دریافتی را در سوانح به بیمه‌گذاران پرداخت می‌کند:

$$q \sum_{i=1}^n C_i = \sum_{i=1}^n A_i \quad (5)$$

به عبارت دیگر این معادله در شرایطی برقرار خواهد بود که:

$$\sum_{i=1}^n P_i C_i = \sum_{i=1}^n A_i \quad (6)$$

یعنی حق بیمه دریافتی مساوی امید ریاضی کل هزینه خسارت پرداختی است. معادله فوق را به دو دسته گروه‌های فوق تفکیک می‌کنیم.

$$\sum_{i=1}^n P_i C_i + \sum_{i=1}^n P_i C_i = \sum_{i=1}^n A_i$$

$P_i \leq q \quad P_i > q$

(7)

اگر سمت راست معادله فوق را با استفاده از معادله بالا بنویسیم:

$$\sum_{i=1}^n A_i = \sum_{i=1}^n q C_i = \sum_{i=1}^n q C_i + \sum_{i=1}^n q C_i$$

$P_i \leq q \quad P_i > q$

(8)

با جایگزینی دو رابطه فوق داریم:

$$\sum_{i=1}^n P_i C_i - \sum_{i=1}^n q C_i = - \left(\sum_{i=1}^n P_i C_i - \sum_{i=1}^n q C_i \right)$$

$P_i \leq q \quad P_i \leq q \quad P_i > q \quad P_i > q$

(9)

این رابطه نشان می‌دهد که برای گروهی که احتمال سانحه آنها کمتر از نرخ حق بیمه است، بیش از مقدار لزوم حق بیمه پرداخت می‌کنند و برعکس کسانی که احتمال سانحه بیشتر دارند، کمتر از مقدار لازم حق بیمه پرداخت می‌کنند. به عبارت دیگر براساس معادله فوق میزان مازاد انتفاعی که افراد با احتمال سانحه بیشتر می‌برند توسط افراد با احتمال سانحه کمتر پرداخت می‌شود. معنی این امر این است که هر که خاطی‌تر باشد در این میان سود بیشتری کسب می‌کند و هر که احتمال تصادف و یا سانحه‌اش کمتر باشد و بیشتر محتاط و منظم باشد بیشتر از نیازش حق بیمه پرداخت می‌کند. این نتیجه به معنی تشویق خطا و تنبیه فرد منضبط است و خلاف اصل عدالت در اسلام می‌باشد، که هدف ارسال رُسل و نزول کتاب و میزان برای استقرار هدایت است که فرمود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۵. و همچنین «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^۶. و همچنین قضاوت در این پدیده را می‌توان به امر خداوند در آیه: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»^۷ مستند ساخت.

بدین ترتیب این نوع بیمه‌ها را نمی‌توان از لحاظ عقلی مشروع دانست و باید راه‌حل دیگری برای آنها به دست آورد. در این بیمه اگر اجباری بودن آن حذف شود، این بیمه چون تبدیل به عقد می‌شود و شرایط ضمن عقد از لحاظ

^۵ - سوره حدید، آیه ۲۵. بی‌تردید پیامبران را با نشانه‌های آشکار فرستادیم و با آنها کتاب و میزان فرو فرستادیم تا مردم به عدالت رفتار کنند.

^۶ - سوره نحل، آیه ۹۰، همانا خداوند امر به عدل و احسان می‌کند.

^۷ - سوره نساء، آیه ۵۸، خداوند به شما امر می‌کند که امانات که به شما می‌سپارد به صاحبان آن رد نموده و هرگاه بین مردم بخواهید حکمی کنید به عدالت حکم کنید.

فقهی می تواند مشمول بیمه گر و بیمه گذار گردد اشکال آن رفع می شود.

منابع

- الاحسائی، ابن ابی جمهور (عوالی اللائی).
- مجلسی، ملا محمد باقر (۱۴۰۳ هـ ق)، بحارالانوار، مؤسسه الوفا، چاپ دوم، لبنان، بیروت، ۱۴۰۳ قمری.
- بیدآباد، بیژن (۱۳۸۲)، تحلیل فقهی-اقتصادی انواع بیمه و ویژگی های شیوه حکومت اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران. <http://www.bidabad.com>